

مناسبت‌های ماه مبارک رمضان

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدتقی واردی*

۱. مناسبت‌های قمری

اشاره

سال هجری قمری، همانند سال هجری شمسی، دوازده ماه است و مبدأ هر دوی آنها، هجرت رسول خدا ﷺ از مکه به مدینه بوده؛ با این تفاوت که محاسبه سال هجری قمری، بر اساس گردش ماه (قمر) به دور زمین است و تعداد آن در کل سال، ۳۵۵ روز می‌باشد؛ ولی ماه هجری شمسی، بر اساس گردش زمین به دور خورشید بوده، تعداد روزهای آن در کل سال، ۳۶۵ روز می‌باشد. با ده روز تفاوتی که بین تعداد روزهای این دو سال است، از مبدأ این دو تاریخ تا زمان ما (۱۳۹۴)، چهل و دو سال فاصله به وجود آمده است. ماه‌های سال هجری قمری، عبارت‌اند از: محرم، صفر، ربیع‌الاول، ربیع‌الثانی، جمادى‌الاولی، جمادى‌الثانیه، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه. بنابراین، ماه مبارک رمضان، نهمین ماه سال هجری قمری بوده، بین دو ماه شعبان و شوال قرار گرفته است.

نزول مهم‌ترین کتب آسمانی

از معصومان علیهم‌السلام احادیثی روایت شده که دلالت دارند مهم‌ترین و معروف‌ترین کتب آسمانی، مانند: صحف ابراهیم علیه‌السلام، تورات موسی علیه‌السلام، زبور داود علیه‌السلام، انجیل عیسی علیه‌السلام و قرآن مجید، در ماه مبارک رمضان نازل شده‌اند؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: صحف ابراهیم علیه‌السلام

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

در شب اول ماه رمضان، تورات در ششم، انجیل در سیزدهم، زبور در هیجدهم و قرآن در بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان نازل گردیده‌اند.^۱ به شهادت تاریخ و منابع موثق، هیچ‌یک از کتاب‌های آسمانی پیامبران، جز قرآن کریم، بر جای نمانده و آنچه اکنون به نام انجیل و تورات در میان پیروان مسیح و یهود وجود دارد نسخه‌های تحریف شده این کتاب‌های آسمانی است.^۲

ولایت‌عهدی امام رضا علیه‌السلام (اول ماه مبارک رمضان، سال ۲۰۱ هجری قمری)

مأمون، فرزند هارون الرشید، هفتمین خلیفه عباسی است که در محرم سال ۱۹۸ هجری قمری با کشتن برادرش امین به زمامداری رسید.^۳ پدرش هارون پیش از مرگ، در سه نوبت به طور جداگانه وصیت کرد که پس از وی، سه فرزندش: محمد امین، عبدالله مأمون و قاسم مؤتمن، یکی بعد از دیگری به خلافت رسند.^۴ پس از مرگش، طبق سفارش او، فرزندش امین در سال ۱۹۳ هجری قمری در بغداد به خلافت رسید. در آن زمان، مأمون در رأس سپاهیان هارون در خراسان حضور داشت و در آغاز، بیعت با برادرش امین را قبول کرد؛ ولی بعد از مدتی، بین آن دو حادثی روی داد که اختلاف و بددلی را در پی داشت؛ از جمله، امین خانواده برادرش مأمون را در فشار و آزار قرار داد و مأمون را از ولایت‌عهدی خلع کرد و فرزند خویش موسی را به ولایت‌عهدی برگزید.^۵ این قضایا، منجر به خصومت و جنگ بین دو برادر بر سر حکومت و خلافت گردید. نبردهای پراکنده، به تدریج به جنگ تمام‌عیار تبدیل شد و در نهایت، مأمون بر امین پیروز شد و مردم با مأمون بیعت کردند.^۶

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۹.

۲. یحیی نوری، اسلام و عقاید و آرای بشری، ص ۴۰۴ و ۴۴۵.

۳. احمد بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۴۱.

۴. همان، ص ۴۰۸، ۴۱۵ و ۴۲۵.

۵. همان، ص ۴۳۶.

۶. همان، ج ۲، ص ۴۴۱.

بیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۴۹۷

در این زمان، امامت شیعیان بر عهده امام علی بن موسی‌الرضا علیه السلام بود که در مدینه سکونت داشتند.

در سال ۲۰۰ هجری قمری، مأمون تصمیم گرفت که حضرت را به خراسان دعوت کند و در اداره کشور، وی را شریک خویش سازد. آن‌گونه‌که از خود مأمون عباسی نقل گردیده، وی هنگام نبرد با برادرش امین، نذر کرده بود که در صورت پیروزی بر سپاهیان وی و تصاحب مقام خلافت، قدرت را به کسی که افضل آل ابی‌طالب علیهم السلام باشد، بسپارد.^۱ هنگامی که وی بر سراسر عالم اسلام سیطره پیدا کرد، تصمیم گرفت که به نذر خویش وفا کند و در این راستا، امام علی بن موسی‌الرضا علیه السلام را که والاترین و افضل آل ابی‌طالب علیهم السلام بود، مورد توجه قرار داد.

مأمون می‌گفت: «ما أعلمُ أحداً أفضلُ من هذا الرجلِ علی وجهِ الأرض؛ روی زمین، شخصیتی بالاتر و بهتر از این مرد (علی بن موسی‌الرضا علیه السلام) سراغ ندارم.»^۲

بدین منظور، یکی از سرداران خویش به نام «رجاء بن ابی‌ضحاک» را همراه عیسی جلودی و برخی همراهان دیگر به مدینه فرستاد و از طریق آنها امام را برای سفر به خراسان دعوت نمود. امام که خلفای عباسی، از جمله مأمون را در گفتارش صادق نمی‌دانست و از هدف‌ها و انگیزه‌های فریب‌کارانه وی باخبر بود، از پذیرش دعوت مأمون امتناع نمود و ماندن در مدینه را بر رفتن به خراسان ترجیح داد؛ ولی با اصرار و اجبار مأموران مأمون روبه‌رو گردید و چاره‌ای جز پذیرش نداشت. حضرت پس از وداع با قبر شریف جدش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر نیاکان پاکش در بقیع، به‌ویژه قبر مطهر جد‌اش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، فرزند خردسالش حضرت امام محمدتقی علیه السلام را جانشین خود در مدینه قرار داد و همراه مأموران مأمون و برخی علویان و یاران خویش، عازم خراسان شد.

همین‌که امام رضا علیه السلام وارد «مرو»، مرکز خلافت مأمون در خراسان گردید، با استقبال بی‌نظیر مردم شهر، از جمله فقها، علما، شاعران، درباریان و خود مأمون قرار گرفت. خلیفه پس از پذیرایی از امام گفت: می‌خواهم خود را از خلافت خلع کنم و آن را به شما که افضل آل

۱. شیخ مفید، *الإرشاد*، ص ۶۰۲.

۲. همان.

ابی طالب هستید، واگذارم. آیا از من می‌پذیری؟ امام از پذیرش این پیشنهاد امتناع کرد؛^۱ چون می‌دانست وی در گفتارش صداقت ندارد و می‌خواهد از این راه او را بیازماید و یا اگر حکومت را به امام واگذارد، پس از مدتی، وی را از میان برداشته و خود دوباره حکومت را به‌دست گیرد. از سوی دیگر، مأمون با قیام‌های گوناگون علویان و غیرعلویان در جهان اسلام روبه‌رو بود و می‌خواست از این راه آنان را به احترام امام وادار به سکوت و پذیرش خلافت عباسیان نماید.

امام رضا علیه‌السلام که از نیت او آگاه بود، به هیچ وجه، حاضر به پذیرش خلافت نشد. مأمون پس از آن، مقام ولایت‌عهدی خویش را به حضرت پیشنهاد کرد و امام رضا علیه‌السلام از پذیرش آن نیز امتناع نمود؛ ولی مأمون این بار، خودداری امام علیه‌السلام را نپذیرفت و گوشزد کرد که پذیرش ولایت‌عهدی، اجباری و قطعی است. امام رضا که با تهدید جدی مأمون روبه‌رو بود، چاره‌ای جز پذیرش ولایت‌عهدی نداشت. از این رو، پذیرش را مشروط نمود و فرمود: در صورتی ولایت‌عهدی را می‌پذیرم که مسئولیت امر و نهی حکومت با من نباشد؛ در چیزی فتوا ندهم؛ در دعوایی داوری نکنم؛ کسی را عزل و یا نصب ننمایم و آیینی را که هم‌اکنون در خلافت تو رایج است، تغییر ندهم.

مأمون تمام خواسته‌های حضرت را پذیرفت و وی را به ولایت‌عهدی خویش منصوب کرد و به فرزندان، درباریان، فرماندهان، صاحب منصبان و عموم مردم دستور داد با امام بیعت کنند.^۲

درباره تاریخ این واقعه بزرگ، همه مورخان، اتفاق دارند بر اینکه در ماه مبارک رمضان سال ۲۰۱ هجری قمری واقع گردیده است؛ ولی در روز آن اختلاف دارند؛ برخی روز اول، بعضی دوم، برخی چهارم، بعضی ششم و برخی روز هفتم رمضان را ذکر کرده‌اند. ممکن است علت اختلاف، از آن جهت باشد که بیعت با حضرت، چند روز ادامه داشته؛ ولی به نظر می‌آید که پذیرش ولایت‌عهدی حضرت، در اول ماه رمضان و بیعت رسمی، در ششم و هفتم رمضان بوده است.

۱. شیخ مفید، *الإرشاد*، ص ۶۰۲؛ محقق اربلی، *كشف الغمّة*، ج ۳، ص ۱۰۱.

۲. رک: احمد بن واضح یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۴۸؛ شیخ مفید، *الإرشاد*، ص ۶۰۲؛ محقق

اربلی، *كشف الغمّة*، ج ۳، ص ۱۰۱.

وفات حضرت ابوطالب بن عبدالمطلب (هفتم ماه مبارک رمضان، سال دهم بعثت)

ابوطالب، عموی پیامبر ﷺ، از پدری به نام عبدالمطلب بن هاشم و مادری به نام فاطمه بنت عمرو بن عائذ، در مکه دیده به جهان گشود و در خاندان هاشمی رشدونمو یافت. وی مانند پدر و نیاکان خود، از موحدان و پیروان دین حنیف ابراهیم ﷺ بوده، از هرگونه شرک و بت‌پرستی دوری می‌جست.^۱

هنگامی که به سنین جوانی رسید، پدرش عبدالمطلب، برادرزاده خود فاطمه بنت اسد بن هاشم را به عقد نکاح وی درآورد و ثمره ازدواج آنان، چهار پسر و دو دختر بود. پسرانشان عبارت بودند از: طالب، عقیل، جعفر و حضرت علی علیه السلام و دخترانشان: فاخته (مکنی به ام هانی) و جمانه.^۲

پس از بعثت پیامبر ﷺ، خانواده ابوطالب علیه السلام نخستین کسانی بودند که به حضرت ایمان آورده، از او دفاع کردند. از میان این خانواده، حضرت علی علیه السلام نخستین مرد و مادرش فاطمه بنت اسد پس از حضرت خدیجه، نخستین بانویی بود که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد.^۳

سرانجام، وی در هفتم ماه رمضان سال دهم بعثت، یعنی سه سال پیش از هجرت پیامبر ﷺ و به روایتی در ۲۶ رجب سال دهم بعثت، در مکه معظمه وفات یافت. پیامبر صلی الله علیه و آله در مصیبت عموی گرامی‌اش گریان و اندوهگین بود.^۴

وفات حضرت خدیجه کبری علیها السلام (دهم ماه رمضان، سال دهم بعثت)

خدیجه کبری علیها السلام دختر خویلد بن اسد، از زنان شریف، اصیل و نامدار عرب و اسلام به شمار می‌آید. وی با اینکه در عصر جاهلیت، در مکه معظمه دیده به جهان گشوده و در آن شهر قبیله‌گرا و طایفه‌مدار رشد و کمال یافت، با این حال، در عفت، نجابت، پاکدامنی،

۱. محمد جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲. نعمان بن محمد مغربی (ابن حیون)، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۲۱۴.

۳. محب‌الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۲۰۷.

۴. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۹.

سخاوت، حُسن معاشرت، صمیمیت، صداقت، مهر و وفا با همسر کم‌نظیر بود، بدین جهت، او را در آن عصر طاهره و سیده نساء قریش می‌خواندند. خدیجه، یکی از چهار بانویی است که بر تمام بانوان بهشت فضیلت دارند.^۱ در اسلام، جز دختر ارجمندش، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، هیچ بانویی به این مقام و فضیلت دست نیافته است. خدیجه کبری علیها السلام در چهل سالگی با امین قریش، حضرت محمد صلی الله علیه و آله ازدواج کرد و پیامبر در آن زمان، در ۲۵ سالگی بود^۲ و آن دو، زندگی شرافتمندانه و اصیلی را پایه‌ریزی کرده، حیات طیبه‌ای را بنا نهادند که الگو و اسوه برای بشر در تمام عصرها و نسل‌ها قرار گرفتند. خدیجه کبری علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه ویژه‌ای داشت. از این رو، پس از بعثت حضرت، تمام دارایی‌های خویش را در اختیار پیغمبر گذاشت تا در راه اسلام هزینه کند. او، نخستین زنی بود که به حضرت ایمان آورد و در این راه، مشقت‌ها و آزارهای فراوانی از سوی قریش و اهالی مکه متحمل گردید.^۳

سرانجام، پس از عمری تلاش و ۲۵ سال خدمت به رسول گرامی و دین اسلام، در دهم رمضان سال دهم بعثت جان به جان‌آفرین تسلیم نمود. پیامبر در مدت کوتاهی، دو یار و پشتیبان خویش، یعنی عمویش ابوطالب و خدیجه کبری علیها السلام را از دست داد و بابت آن، روزگار سختی را پشت سر گذاشت. به همین جهت، آن سال را «عام‌الحرز» نامیدند.^۴

آغاز نامه‌نگاری کوفیان به امام حسین علیه السلام (دهم ماه رمضان، سال ۶۰ هجری قمری)

شیعیان اهل بیت علیهم السلام پس از مرگ معاویه بن ابی‌سفیان و با خبرشدن از هجرت اعتراض‌آمیز اباعبدالله الحسین علیه السلام از مدینه منوره به مکه معظمه، جلسات پنهان و آشکاری برگزار نمودند و به این نتیجه رسیدند که حضرت را به کوفه دعوت کرده، در مبارزه با نظام ضد اسلامی اموی یاری دهند.^۵ آنان، نامه‌هایی بسیاری برای امام نوشتند و وی را به کوفه دعوت کردند.^۶

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۲۰۶.

۲. محقق اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۷۹.

۳. محقق اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۷۱.

۴. محقق اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۲۰.

۵. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۳۷۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۲.

۶. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۳۷۸؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۱۷۲.

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۰۱

نخستین نامه کوفیان، در دهم ماه مبارک رمضان سال ۶۰ هجری قمری، به امام رسید و از آن پس، نامه‌های فراوان دیگری پی‌درپی به محضر حضرت ارسال شد.^۱

پیوند عقد اخوت میان مسلمانان (دوازدهم ماه رمضان، سال اول هجری قمری)

پیامبر ﷺ پس از هجرت به مدینه منوره، برای پیش‌گیری از مخالفت‌ها و خصومت‌های احتمالی بین مهاجر و انصار، در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان سال اول هجری قمری، به امر پروردگار متعال، میان سیصد نفر از مهاجر و انصار پیمان برادری بست و هریک از آن دو را با دیگری برادر دینی نمود. بدین‌گونه، بین حمزه بن عبدالمطلب با زید بن حارثه، ابوبکر بن ابی‌قحافه با خارجه بن زید خزرجی، عمر بن خطاب با عتبان بن مالک، ابوعمیده جراح با سعد بن معاذ، عبدالرحمن بن عوف با سعد بن ربیع، زبیر بن عوام با سلمه بن سلامه و... عقد اخوت برقرار کرد.^۲

اما خود پیامبر ﷺ در میان تمامی یاران و فامیلان و صحابه، کسی را جز علی بن ابی‌طالب علیه السلام شایسته برادری خویش ندید و از آن پس، حضرت علی رسماً برادر دینی پیامبر گردید و فضیلتی بزرگ بر فضایلش افزوده شد.^۳

میاد مسعود امام حسن مجتبی علیه السلام (پانزدهم ماه رمضان، سال سوم هجری قمری)

امام در پانزدهم ماه مبارک رمضان سال دوم و به‌روایتی صحیح‌تر، سال سوم هجری قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود.^۴ وی، نخستین فرزند حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیه السلام بوده، تولدش، موجب شادمانی آن دو و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و تمامی محبان اهل‌بیت علیهم السلام گردید.

پیامبر در گوش راستش اذان گفت و در گوش چپش اقامه خواند و بنا به درخواست پدر و مادرش، از جانب خدای متعال، نام «حسن» را برایش برگزید.^۵

۱. علی تبریزی خیابانی، وقایع الایام، ص ۳۰.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۲۴.

۳. فضل بن حسن طبرسی، زندگی چهارده معصوم علیهم السلام (ترجمه اعلام الوری)، ص ۲۶۷.

۴. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۳۴۶؛ محمد جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۳.

۵. محقق اربلی، کشف النعمه، ج ۲، ص ۸۲.

پیامبر در هفتمین روز تولد وی، دستور داد گوسفندی برای عقیقه او قربانی نمایند و میان نیازمندان تقسیم نکند.^۱

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در توصیف سبط اکبرش، امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام، احادیث فراوانی دارد؛ از جمله فرمود: «إِنَّ هَذَا رِيحَاتِي وَإِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ سَيُصَلِّحُ اللَّهُ بِهِ بَيْنَ فِتْنَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^۲ همانا این (حسن)، ریحانه من است و این فرزندم، سید و سروری است که به زودی خدای سبحان به واسطه او، میان دو گروه از مسلمانان صلح و سازش برقرار خواهد کرد.»

لقب‌های امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام عبارت‌اند از: سبط اکبر، سبط اول، طیب، قائم، حجت، تقی، زکی، مجتبی، وزیر، اثیر، امیر، امین، زاهد و برّ؛ اما معروف‌ترین آنها، لقب شریف «مجتبی» است و شیعیان وی را «کریم اهل بیت» می‌نامند. کنیه وی، «ابومحمد» است.^۳

یکی از فضایل امام این بود که هفت‌سال‌ونیم از حیات با برکت جدش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، نزدیک به هشت سال زندگی با صفا و صمیمی مادرش فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، بیست‌وشش سال از عمر با برکت پدرش امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام و چهل‌وشش سال از عمر برادر گرامی‌اش امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را درک کرد. حضرت، در ۲۸ صفر سال ۵۰ هجری قمری توسط همسرش جعدہ بنت اشعث، مسموم گردید و در ۴۷ سالگی در مدینه به شهادت رسید و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.^۴

نصب محمد بن ابی بکر به استانداری مصر (پانزدهم ماه رمضان، سال ۳۷ هجری قمری)

پیش از محمد بن ابی بکر، استاندار ولایت مصر، قیس بن سعد انصاری بود و حدود یک سال و هشت ماه بر این منطقه حکومت کرد؛ تا اینکه حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام با مشورت برخی یارانش تصمیم گرفت محمد بن ابی بکر را جایگزین وی نماید.^۵

۱. فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۲۱۱.

۲. همان، ص ۲۸۸.

۳. محقق اربلی، کشف النعمه، ج ۲، ص ۸۶.

۴. ابوالتلیج بغدادی، تاریخ الأئمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، ص ۷.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۵۳۳.

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۰۳

محمد بن ابی‌بکر در ماه مبارک رمضان سال ۳۷ هجری قمری از سوی امیر مؤمنان علیه السلام به استانداری مصر منصوب گردید و بی‌درنگ عازم مصر شد. وی در پانزدهم این ماه وارد مرکز مصر گردید و خود را به قیس بن سعد معرفی نمود و از وی خواست که در کنارش بماند و او را در اداره حکومت کمک نماید. با اینکه قیس بن سعد، شوهر عمه محمد بن ابی‌بکر بود، با درایتی که داشت، منظور پیام مولایش حضرت علی علیه السلام را دریافت. از این رو، خواسته محمد بن ابی‌بکر را رد کرد و مصر را ترک نمود و به مدینه برگشت و پس از دیدار با بستگان و زیارت قبر شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله، بی‌درنگ خود را به حضرت علی علیه السلام در معرکه جنگ صفین رسانید.^۱

محمد بن ابی‌بکر همین که وارد مصر شد، نامه حضرت علی علیه السلام را برای اهالی مصر قرائت کرد^۲ و خود را حاکم جدید آنان معرفی نمود و با استقبال اهالی مصر روبه‌رو گردید. او در ۱۵ جمادی‌الاولی سال ۳۸ هجری قمری توسط سپاهیان معاویه بن ابی‌سفیان مظلومانه به شهادت رسید. مدت حکومت وی در مصر، فقط هشت ماه بود.^۳

اعزام مسلم بن عقیل علیه السلام به کوفه (پانزدهم ماه رمضان، سال ۶۰ هجری قمری)

اهالی کوفه، به‌ویژه شیعیان این شهر به محض آگاهی از حضور امام حسین علیه السلام در مکه و امتناع وی از بیعت با یزید بن معاویه، به منظور قیام علیه یزید، با ارسال نامه‌های بی‌شمار به امام علیه السلام حضرت را به کوفه دعوت کردند. امام درباره پذیرش درخواست و نامه‌های آنان، مدتی درنگ کرد و جوانب قضایا را بررسی نمود، سپس تصمیم گرفت دعوتشان را پذیرفته، با فرستادن نخستین نماینده خویش به سوی آنان، عملاً رهبری قیام را بر عهده گیرد.

حضرت برای این کار، وضو گرفت و میان رکن و مقام در مسجدالحرام، دو رکعت نماز به‌جای آورد و پس از نیایش، پسرعمویش مسلم بن عقیل را به حضور طلبید و او را از

۱. احمد بلاذری، *انساب الأشراف*، ص ۲۹۸.

۲. همان.

۳. ر.ک: مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۳۳، ص ۵۴۰.

وضعیت کوفه باخبر کرد و به وی فرمود که می‌خواهد او را به عنوان نماینده خویش به کوفه بفرستد تا قیام اهالی این شهر را سامان بخشد. مسلم بن عقیل رضی الله عنه با روحیه و نشاط بالا، خواست امام رضی الله عنه را پذیرفت. آن‌گاه حضرت نامه‌ای برای مردم کوفه نوشت و به مسلم داد تا برای اهالی کوفه قرائت کند.^۱

همچنین امام به مسلم سفارش‌های لازم را نمود و وی را با آخرین نامه‌رسانان، یعنی: قیس بن مسهر صیداوی، عماره بن عبدالله سلولی، عبدالله بن شداد و عبدالرحمن شداد، در تاریخ ۱۵ رمضان سال ۶۰ قمری به سوی کوفه اعزام کرد.

مسلم بن عقیل رضی الله عنه از مکه به مدینه رفت و در آنجا قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت نمود و با خانواده خود دیدار کرد و آن‌گاه همراه دو فرزندش محمد و ابراهیم و دو راهنما از طایفه بنی‌قیس، از بیراهه حرکت نموده، عازم کوفه گردید تا هم زودتر به مقصد برسد و هم از چشم نگهبانان حکومتی و راهبان‌ها در امان بماند.^۲

روز جهانی قدس (آخرین جمعه ماه مبارک رمضان)

در سال ۱۹۳۳م (۱۳۱۲ش) استعمار انگلیس با حمایت از صهیونیست‌ها و سرکوب مسلمانان، زمین‌های فلسطینیان را از دست آنان خارج کرده، به یهودیان مهاجر واگذار می‌نمود. در حقیقت، انگلستان با غصب زمین‌های فلسطینیان و ساکنان اصلی آن، در فراهم‌آوردن مهاجرت یهودیان، نقش اصلی را ایفا کرد. در همین زمان بود که آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری رحمته الله علیه و به تبع وی، سایر علما و روحانیون ایران، برای دفاع از مردم فلسطین دست‌به‌کار شدند. حرکت اصلی مؤسس حوزه در این زمان، ارسال نامه‌ای به رضاشاه بود. با توجه به مقدمه فوق، اهمیت حرکت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری در ارسال نامه به رضاخان و درخواست واکنش در برابر مسئله فلسطین، بیشتر نمودار می‌شود. به‌جرئت می‌توان گفت که آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری، رویارویی با اشغال سرزمین فلسطین را از مهم‌ترین امور دینی می‌دانست.

۱. شیخ مفید، *الإرشاد*، ص ۳۸۰.

۲. رک: شیخ مفید، *الإرشاد*، ص ۳۷۸؛ ابن طاووس، *اللّهوف*، ص ۵۳؛ شیخ عباس قمی، *منتهی‌الأمال*، ج ۱،

بیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۰۵

امام خمینی علیه السلام در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۶ که مصادف با ایام مبارک ماه رمضان گشته بود، در پیامی تاریخی آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به‌عنوان «روز جهانی قدس» معرفی کرده، فرمودند:

«من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و به‌ویژه در جنوب لبنان به‌قصد نابودی مبارزان فلسطینی، پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه‌کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به‌هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به‌عنوان «روز قدس» انتخاب [کرده] و طی مراسمی، همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.»^۱

تأکید بنیانگذار جمهوری اسلامی در این پیام، بر ارتباط این روز با تعیین سرنوشت ملت فلسطین، دربردارنده نکات مهمی است. در اندیشه امام راحل، رهایی قدس شریف و حل مسئله فلسطین، تنها در گرو همراهی و وظیفه‌شناسی همه مسلمانان است. این همراهی و هم‌افزایی، در یک روز و درست زمانی که گرایش‌های دینی و اعتقادی مسلمانان به اوج خود می‌رسد، اتفاق می‌افتد. از این منظر، می‌توان گفت که در اندیشه امام علیه السلام، حل این مسئله، نیازمند مشارکت و همدلی تمام مسلمانان است.

جانشین صالح و شایسته ایشان، مقام معظم رهبری (دام‌ظله) نیز هر ساله بر این موضوع بسیار تأکید می‌نمایند. معظم‌له در یکی از سخنرانی‌های خویش فرمودند:

«روز قدس، یکی از برجسته‌ترین یادگارهای امام عزیز ماست؛ نشانه دلبستگی انقلاب و دلبستگی ملت ما به ماجرای قدس شریف و ماجرای فلسطین است. به برکت روز قدس، این نام را ما توانستیم هر سال در دنیا زنده نگه داریم. خیلی از حکومت‌ها و خیلی از

۱. امام خمینی علیه السلام، صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۶۷.

سیاست‌ها می‌خواستند، مایل بودند، تلاش کردند، پول خرج کردند که مسئله فلسطین فراموش شود. اگر تلاش جمهوری اسلامی نبود، اگر ایستادگی جمهوری اسلامی با تمام قوا در مقابله این سیاست خبثت‌آلود نبود، بعید نبود که بتوانند مسئله فلسطین را به تدریج به زاویه بکشانند؛ اصلاً فراموش کنند. الآن هم خود دستگاه استکبار و خود صهیونیست‌های خبیث معترف‌اند، معتقدند و ناراحت‌اند از اینکه جمهوری اسلامی پرچم فلسطین را برافراشته است و نمی‌گذارد که با سازش‌کاری‌هایی که می‌خواهند انجام بدهند، مسئله فلسطین را از دور خارج کنند. روز قدس، روز زنده‌کردن این یاد و این نام است. امسال هم به توفیق الهی، به هدایت الهی، ملت عظیم ما در تهران و در همه شهرستان‌ها روز قدس را گرامی خواهند داشت، راهپیمایی خواهند کرد. در کشورهای دیگر هم بسیاری از مسلمانان در روز قدس، از ملت ایران تبعیت می‌کنند»^۱

۲. مناسبت‌های شمسی

اشاره

نظر به اینکه تعداد روزهای سال هجری شمسی، ده روز بیشتر از تعداد روزهای سال هجری قمری است، در هر سال، مناسبت‌های این دو تاریخ، ده روز از یکدیگر فاصله می‌گیرند. بدین جهت، مناسبت‌های سال گذشته ماه مبارک رمضان با مناسبت‌های ماه رمضان ۱۳۹۴، از جهت هجری شمسی مطابقت ندارند. از این رو، مناسبت‌های ماه مبارک رمضان امسال را در دو بخش جدا، یکی به نام مناسبت‌های هجری قمری و دیگری هجری شمسی تدوین نموده‌ایم. مبلغان و روحانیان ارجمند، خود باید بین دو تقویم ارائه‌شده جمع نمایند.

۳۱ خرداد ۱۳۶۰، شهادت دکتر مصطفی چمران

دکتر چمران در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی در تهران دیده به جهان گشود و دوران تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه انصاریه، و دوران متوسطه را در دارالفنون گذراند و سپس وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و در رشته الکترومکانیک به تحصیل پرداخت.

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، تاریخ ۱۳۸۸/۶/۲۰.

بیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۰۷

وی از پانزده‌سالگی در جلسات تفسیر قرآن آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت و در درس فلسفه و منطق آیت‌الله شهید مرتضی مطهری و نیز در دیگر جلسات مذهبی شرکت می‌نمود.

پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده فنی دانشگاه تهران، با دریافت بورس تحصیلی به دانشگاهی در تکزاس آمریکا رفت و با وجود عدم تسلط به زبان انگلیسی، دانشجوی ممتاز رشته خود شد و دوره دکتری را در دانشگاه برکلی ایالت کالیفرنیا در رشته پلاسما فیزیک گذراند. در همین سال‌ها، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را به همراهی چند تن از دوستان خود پایه‌گذاری کرد.

در دهه شصت، در آزمایشگاه‌های بل و همچنین آزمایشگاه پیشرانه جت ناسا استخدام شد. او در کنار زبان مادری خود (فارسی)، به زبان‌های: عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی مسلط بود و در کنار دانش، به هنر نیز توجه شایانی داشت. نقاشی از علاقه‌مندی‌های بارز هنری او بود که در این زمینه، چندین اثر رنگ روغن از وی به‌جامانده است.

در زمان جنگ داخلی لبنان و هجوم بی‌رحمانه اسرائیل به اهالی جنوب لبنان که غالباً شیعه مذهب بودند، به لبنان رفت و امام موسی صدر را در تشکیل حرکت محرومین (سازمان امل) یاری داد و مبارزان بسیاری را برای نبرد با اشغالگران آموزش داد و خدمات آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و رزمی چشمگیری را به اهالی محروم لبنان ارائه نمود.

دکتر چمران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سی‌ام بهمن سال ۱۳۵۷ همراه با یک گروه ۹۲ نفره، از لبنان به ایران آمد و با آنکه قصد ماندن در ایران را نداشت، به توصیه حضرت امام خمینی علیه‌السلام در ایران ماندگار شد. در اوایل پیروزی انقلاب، به تربیت اولین گروه از پاسداران انقلاب اسلامی در سعدآباد پرداخت و سپس مسئولیت‌های متعددی را بر عهده گرفت و با رشادت کم‌نظیر خویش، پایه را از اشغال ضد انقلابیون تجزیه‌طلب بیرون آورد و در دفاع مقدس، فداکاری‌های فراوانی از خود نشان داد و نام خویش را در تاریخ انقلاب اسلامی ایران ماندگار نمود. دکتر مصطفی چمران، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، نماینده حضرت امام خمینی در شورای عالی دفاع، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و بنیان‌گذار جنگ‌های نامنظم، در گرماگرم جنگ بعثی‌های عراق با ملت

ایران، در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در مسیر دهلاویه - سوسنگرد به علت اصابت ترکش خمپاره دشمن، مجروح شد و سپس به شهادت رسید.

پس از شهادت دکتر چمران، دست‌نوشته‌های بسیاری از وی کشف شد که در طول سالیان اقامت در آمریکا، لبنان و بازگشت به ایران نگاشته شده بود. دست‌نوشته‌ها، زوایای جدیدی از شخصیت و تفکر وی را برای همگان روشن کرد و ابعاد ناشناخته درونی روح او معلوم گردید. سبک نگارش دست‌نوشته‌ها، بیشتر به صورت عرفانی و عاشقانه است که در بعضی قسمت‌ها دارای سوز عمیق و شکننده‌ای است که نشان‌دهنده عمق بینش و درک وسیع این شهید عالی‌مقام می‌باشد. روحش شاد.

روز تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی (اول تیر)

به فرمان امام خمینی علیه‌السلام، سازمان تبلیغات اسلامی در اول تیر سال ۱۳۶۰ تأسیس شد. این نهاد با هدف اعتلای فرهنگ نغز و پُربار اسلامی و تبلور حیات معنوی و تبیین و ترویج شاخص‌های اعتقادی فعال گردید. به همین جهت، روز اول تیر به عنوان «روز تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی» نام‌گذاری شد تا از این راه، مسئولان امر تبلیغ و مبلغان دینی و مذهبی با نگاه به روش‌های روز و بهره‌مندی از ابزارهای نوین اطلاع‌رسانی، اقدامات مؤثرتری در این راه انجام دهند.

اصولاً تبلیغ از مهم‌ترین وظایف دین‌باوران، به‌ویژه عالمان و مبلغان دینی است. قرآن کریم در آیات متعدد آن را به پیامبرش حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که بزرگ‌ترین مبلغ دین توحیدی است، یادآوری نموده؛ از جمله در آیاتی چون: «فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلِي رَسُوْلُنَا الْبَلَاغُ الْمُبِين»^۱، «مَا عَلِي الرَّسُوْلُ إِلَّا الْبَلَاغُ»^۲ و «فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِين»^۳، وظیفه اصلی رسول خدا را تبلیغ اعلام کرده است؛ زیرا در پرتو تبلیغ، راه سعادت و هدایت بر روی انسان‌ها گشوده شده، مبانی اصلی فرهنگ اسلامی تبیین می‌شود. به همین جهت، اگر دین اسلام و مکتب حیات بخش اهل بیت علیهم‌السلام به‌درستی و با روش‌های منطقی تبلیغ گردد، بی‌تردید توجه مردم به دین

۱. مائده، آیه ۹۲.

۲. همان، آیه ۹۳.

۳. نحل، آیه ۸۲.

بیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۰۹

و دین‌داری افزایش می‌یابد و غیرمسلمانان به سمت وسوی دین تمایل پیدا خواهند کرد. مبلغان دینی باید ظرافت‌های تبلیغ را مد نظر داشته باشند تا به شایستگی از عهده تبلیغ دین برآیند.

امام خمینی علیه السلام درباره اهمیت تبلیغ فرمود: «مسئله تبلیغات، یک امر مهمی است که می‌شود گفت که در دنیا در رأس همه امور قرار گرفته است و می‌توان گفت که دنیا بر دوش تبلیغات است... باید با تبلیغات صحیح، اسلام را آن‌گونه که هست، به دنیا معرفی نمایید... توجه داشته باشید که بالاترین چیزی که می‌تواند این انقلاب را در اینجا به ثمر برساند و در خارج صادر کند، تبلیغات است، تبلیغات صحیح.»^۱

روز جهانی مبارزه با مواد مخدر (پنجم تیر)

در پی برگزاری کنفرانس بین‌المللی از سوی سازمان ملل متحد در شهر وین از ۱۷ تا ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ میلادی، به منظور عزم سیاسی ملت‌ها در مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، سندی با عنوان C.M.O به تصویب کشورهای شرکت‌کننده رسید. این سند، خط‌مشی همه‌جانبه اقدام‌ها در امر کنترل مواد مخدر را از سوی کشورهای شرکت‌کننده مشخص کرده، آنان را متعهد نموده است فعالیت‌های بین‌المللی در خصوص مبارزه با قاچاق مواد مخدر را قاطعانه دنبال کنند.

به همین منظور، سازمان ملل هر ساله روز ۲۶ ژوئن، مصادف با پنجم تیر ماه را به عنوان «روز جهانی مبارزه با مواد مخدر» انتخاب نموده است تا با این عمل، آگاهی مردم را با مشکلاتی که مواد مخدر برای جوامع به وجود می‌آورد، بالا ببرد. این روز توسط دولت‌ها و سازمان‌های مختلف در تمام دنیا حمایت می‌گردد.

کشور ایران که در مسیر حمل مواد مخدر از شرق به غرب قرار دارد، یکی از آسیب‌پذیرترین کشورهای منطقه از جهت رواج مواد مخدر و اعتیاد مردم به این ماده افیونی می‌باشد. پیش از انقلاب اسلامی، اعتیاد در میان جوانان کشور ما کم‌وبیش رواج داشته است؛ ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی، دست‌های پنهان و آشکار استکبار جهانی و عوامل منطقه‌ای آنان، به‌ویژه ضد انقلاب فراری،

۱. امام خمینی علیه السلام، صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۵۳.

از آستین‌های سودجویان دنیاطلب بیرون آمده، برای تضعیف نظام و بیرون کردن جوانان از گردونه انقلاب و مبارزه با استکبار، مواد مخدر را به عنوان یک صنعت سودآور در سراسر کشور رواج داده، جوانان را به انواع آن مبتلا نمودند. برای مبارزه با باندهای قاچاق مواد مخدر و پیشگیری از اعتیاد جوانان، سال‌های متمادی است که مرکزی به نام «ستاد مبارزه با مواد مخدر» در ایران تشکیل شده و در این حوزه، فعالیت‌های ارزشمندی نموده و تا حدودی اوضاع را کنترل کرده؛ ملت ایران در این راه، حدود چهار هزار شهید و هزاران مجروح تقدیم نموده است.

سوء قصد منافقان به رهبر معظم انقلاب اسلامی در مسجد ابوذر تهران (ششم تیر، ۱۳۶۰)

در این روز، رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) که امام جمعه تهران و نماینده حضرت امام خمینی علیه السلام در شورای عالی دفاع بود، برای سخنرانی در میان خیل عظیم امت شهیدپرور تهران، عازم مسجد ابوذر شد و با شور و استقبال کم‌نظیر مردم روبه‌رو گشت و پشت تریبون مجلس قرار گرفت و سخنرانی خود را با نام خدا و صلوات بر پیامبر صلوات الله علیه و اهل بیت نبوی علیهم السلام آغاز کرد. منافقان که در آن سال با همکاری بنی‌صدر (رئیس جمهور مخلوع) دست به کشتار مردم و مسئولان زده بودند، برای این مراسم نیز برنامه جنایت‌آمیزی را طراحی کرده، توسط یکی از عوامل خود به نام «جواد قدیری» بمبی را در ضبط صوت جاسازی کرده، به بهانه ضبط صدای مقام معظم رهبری روی تریبون قرار دادند. متأسفانه، در حین سخنرانی ایشان، بمب ضبط صوت منفجر شد و مقام معظم رهبری به شدت زخمی گردید؛ ولی خدای مهربان معظم‌له را برای امت اسلام نگه داشت.

شهادت آیت‌الله دکتر بهشتی و ۷۲ یار انقلاب اسلامی (هفتم تیر، ۱۳۶۰)

پس از عزل ابوالحسن بنی‌صدر از ریاست جمهوری اسلامی ایران، سازمان منافقین خلق که پشتیبان اصلی خود را ازدست‌داده می‌دید، از این واقعه سوء استفاده کرد و با همفکری و همکاری مزدوران بنی‌صدر خائن، اقدام به ترور شخصیت‌های مؤثر انقلاب و یاران امام خمینی علیه السلام نمود و در این راه، جنایات بی‌شماری را مرتکب شد؛ از جمله ساختمان حزب

پیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۱۱

جمهوری اسلامی در سرچشمه تهران را که محل برگزاری نشست مسئولان حزب و برخی مسئولان دولتی بود، با بمب بسیار قوی منفجر کرد.

روز هفتم تیر ۱۳۶۰، جلسه مسئولان عالی حزب جمهوری اسلامی (در غیاب برخی از آنان، از جمله: آیت‌الله خامنه‌ای که بر اثر انفجار در مسجد ابوذر زخمی و در بیمارستان بستری بود و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که به جهت اشتغالات زیاد به جلسه نرسیده بود) تشکیل شد. آیت‌الله سید محمدحسینی بهشتی سخنران جلسه بود. بنا بود در آن جلسه، در باره تورم بحث شود؛ اما عده‌ای از حاضران مجلس خواسته بودند که راجع به انتخابات ریاست جمهوری نیز بحث شود. شهید بهشتی در این زمینه سخنانی ایراد کرد. بر اساس نوار ضبط‌شده از اظهارات ایشان، آخرین جملات آن بزرگوار در لحظاتی پیش از انفجار چنین بود: «ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برایمان مهره‌سازی کنند و سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند. تلاش کنیم کسانی را که متعهد به مکتب هستند و سرنوشت مردم را به بازی نمی‌گیرند، انتخاب شوند...».

در همین لحظه، بمب منفجر شد و ساختمان حزب فرو ریخت. متأسفانه، در این حادثه علاوه بر شهید آیت‌الله بهشتی، ۷۲ نفر دیگر از جمله: ۴ وزیر، چند معاون وزیر، ۲۷ نماینده مجلس و جمعی از اعضای حزب جمهوری اسلامی و یاران امام خمینی علیه‌السلام به شهادت رسیدند.

امام خمینی علیه‌السلام در پیامی که به این مناسبت انتشار داد، فرمود: «این کوردلان مدعی مجاهدت برای خلق، گروهی را از خلق گرفتند که از خدمتگزاران فعال و صدیق خلق بودند.» معظم‌له تأکید کردند: «بهشتی، مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار چشم دشمنان اسلام بود.» شایان توجه است که عامل انفجار هفتم تیر، فردی به نام «محمد رضا کلاهی» دانشجوی دانشگاه علم و صنعت بود که پس از پیروزی انقلاب، به سازمان منافقین (مجاهدین خلق) پیوست.

او بمب را با کیف دستی خود به داخل جلسه حزب جمهوری اسلامی واقع در نزدیکی چهارراه سرچشمه تهران انتقال داد و دقایقی پیش از انفجار، از ساختمان حزب خارج شد.

پس از انفجار مدتی در منزل یکی از اعضای سازمان متبوع خود مخفی شد و در نهایت، از طریق مرزهای غربی کشور به عراق منتقل گردید.

روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی (هشتم تیر)

به دلیل بمباران شیمیایی شهر کُردنشین سردشت (واقع در جنوب استان آذربایجان غربی) در هشتم تیر ۱۳۶۰ توسط نیروهای متجاوز بعثی عراق و شهادت و جراحت تعداد زیادی از هموطنان کُرد، این روز به «روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی» نام‌گذاری شد. رژیم بعثی عراق با بهره‌گیری از اختلافات جمهوری اسلامی ایران با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا، در جنگ تحمیلی هشت‌ساله بر ضد ملت ایران، مرتکب انواع جرم‌های ضد بشری و جنایات جنگی شد و از سوی اردوگای غرب و مستکبران عالم مورد حمایت قرار گرفت. یکی از جنایات این رژیم سفاک، استفاده از گازهای شیمیایی است که اردوگاه غرب در اختیار وی قرار داده بود. بعثیان عراق، نه تنها مردم ایران، بلکه شهروندان عراقی (کردهای شمال عراق) را نیز با این سلاح مرگبار مورد حمله قرار دادند. این رژیم، نه یک‌بار، بلکه بارها مرتکب استفاده از این سلاح کشنده شد که در ذیل آنها را مرور می‌نماییم:

۱. نخستین‌بار در ۲۷ مهر سال ۱۳۵۹ رژیم بعثی چهار بار از سلاح شیمیایی از نوع تاول‌زا (گاز خردل) در منطقه جنوب (استان خوزستان) استفاده کرد که یک مصدوم و بیست شهید به دنبال داشت.
۲. در سال ۱۳۶۰ نیز شش بار از گاز خردل در جبهه‌های جنوب استفاده کرد که ۱۰۱ نفر شهید در پی داشت.
۳. در سال ۱۳۶۱، در عملیات والفجر مقدماتی، دوازده بار مناطق غرب و جبهه‌های جنوب مورد اصابت بمب‌های شیمیایی قرار گرفت.
۴. در سال ۱۳۶۲ و در پی عملیات‌های والفجر ۲ و والفجر ۴، جبهه میانی، غرب و شمال غرب و حتی سلیمانیه عراق ۶۴ بار مورد اصابت بمب‌های شیمیایی از نوع تاول‌زا (خردل)

بیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۱۳

و اعصاب (تابون) قرار گرفتند. بر اثر این حملات وحشیانه و غیرانسانی، صدها نفر شهید و هزاران نفر مصدوم شدند.

۵. از تاریخ اول فروردین تا ۲۷ اسفند ۱۳۶۳، ۲۲۲۵ نفر مصدوم و چهل شهید در عملیات‌های خیبر و بدر، حاصل اصابت ۵۸ بار بمب‌های تاول‌زا، اعصاب، خفه‌کننده و آلوده‌کننده خون بوده است.

۶. سال ۱۳۶۴، در عملیات‌های والفجر ۸ و ابتدای والفجر ۹ در مناطق جنوب، ۷۶ بار سلاح شیمیایی به کار رفت که حاصل آن، ۷۷ شهید و ۱۱۶۴۴ نفر مصدوم بود.

۷. رژیم عراق به جهت شکست سنگین در عملیات‌های پیروزمندانه: کربلای دو، چهار، پنج و شش، ۱۰۲ بار از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد که طی آن، ۴۷۲۰ نفر مصدوم شدند و ۱۰۷ نفر به شهادت رسیدند.

۸. در سال ۱۳۶۵ در مناطق: شلمچه، سردشت، خوزستان، بصره، کردستان، دیاله و ایلام، ۴۳ بار از سلاح شیمیایی استفاده کرد که ۹۴۴۰ مصدوم ۴۴۲ شهید، حاصل این حملات وحشیانه بود.

۹. در سال پایانی جنگ، ۳۴ حمله شیمیایی در مناطق غرب، شمال غرب و جنوب ثبت شده است که آخرین بار آن، پس از قرارداد ۵۹۸ و در تاریخ سوم شهریور در عملیات بازپس‌گیری «فاو» بود.

بر اساس آمارهای رسمی نهادهای مسئول، در پی حملات شیمیایی دشمن بعثی در طول جنگ، حدود ۲۶۰۰ تن از هموطنان ما شهید و ۱۰۷۰۰۰ نفر مصدوم و مجروح شدند. تعداد جانبازان شیمیایی که تحت پوشش بنیاد جانبازان قرار گرفتند، حدود ۴۵۰۰۰ نفر می‌باشد.

به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق، در حالی صورت می‌گرفت که این کشور، جزء ۱۲۰ کشور امضاکننده پروتکل ژنو درباره منع استفاده از سلاح‌های سمی، خفه‌کننده و ترکیبات باکتریولوژیک بود.

شهادت آیت‌الله صدوقی (۱۱ تیر ۱۳۶۱)

چهارمین شهید محراب، آیت‌الله شیخ محمد صدوقی، امام جمعه و نماینده امام خمینی علیه السلام در استان یزد، پس از برپایی نماز جمعه در دهم ماه مبارک رمضان ۱۴۰۲ هجری قمری، مصادف با یازدهم تیر ۱۳۶۱ هجری شمسی در حین خروج از مسجد، با انفجار نارنجک دستی یکی از منافقان ضد انقلاب، به درجه والای شهادت نایل آمد.

آیت‌الله صدوقی، از نسل مرحوم شیخ صدوق و اصالتاً کرمانشاهی بوده است. پدرش، ملا ابوطالب و جد دوم او، علامه ملا محمد مهدی کرمانشاهی بود که بر اثر درگیری با فتحعلی شاه قاجار به یزد تبعید شد. آیت‌الله محمد صدوقی در ۷ سالگی پدر، و در ۹ سالگی مادرش را از دست داد و پسرعمویش ملا محمد کرمانشاهی (مدفون در یزد)، سرپرستی او را برعهده گرفت که بعدها شهید صدوقی داماد وی شد.

وی تحصیلات علوم دینی را در مدرسه عبدالرحیم خان یزد آغاز کرد و در ۲۱ سالگی برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت؛ اما پس از مدت کوتاهی، به دلیل کمبود امکانات و سرمای بی سابقه اصفهان، به یزد بازگشت و یک سال بعد، در سال ۱۳۴۹ به قم مهاجرت کرد و به تحصیل و بعدها به تدریس در این حوزه علمیه پرداخت.

در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، از حامیان جدی امام خمینی علیه السلام بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی امام راحل به امامت جمعه شهر یزد و نماینده آن حضرت در استان یزد منصوب شد و نمایندگی مردم استان یزد در نخستین مجلس خبرگان قانون اساسی و سپس خبرگان رهبری را بر عهده گرفت.

شهید صدوقی در مبارزه با رژیم شاه، یکی از محورهای مبارزه محسوب می شد. او اعلامیه‌هایی در محکوم کردن جنایات رژیم شاه، از جمله در فاجعه سینما رکس آبادان صادر کرد. ایشان رهبری نهضت اسلامی در یزد را بر عهده داشت، نیز پیام‌های حضرت امام خمینی علیه السلام را به اطلاع علمای مشهد، تبریز، شیراز و دیگر شهرها می‌رساند. حضرت امام علیه السلام در بخشی از پیام خود به مناسبت شهادت ایشان فرموده‌اند:

«چه کسی اولی به شهادت است در زمانی که کفر بنی‌امیه، اسلام را تهدید می‌کرد، از فرزند معصوم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و فرزندان و اصحاب او و چه کسی اولی به شهادت است در

بیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۱۵

عصری که استکبار جهانی و فرزندان خلف آن در داخل و خارج، اسلام عزیز را تهدید می‌کنند، از امثال شهید بزرگوار ما و فقیه متعهد و فداکار اسلام، شهید صدوقی عزیز (رضوان الله علیه)؛ شهید بزرگی که در تمام صحنه‌های انقلاب حضور داشت و یار و مددکار گرفتاران و مستمندان بود. روحش شاد.»^۱

حمله ناو آمریکای جنایتکار به هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی (۱۲ تیر، ۱۳۶۷)

در روز دوازدهم تیر ۱۳۶۷، هواپیمای مسافری ایرباس ایران به شماره ۶۵۵ شرکت هواپیمایی ایران‌ایر که از بندرعباس عازم دُبی بود، بر فراز آب‌های خلیج فارس و در نزدیکی جزیره «هنگام» مورد هجوم یگان‌های دریایی متجاوز آمریکا مستقر در آب‌های خلیج فارس قرار گرفت و با شلیک دو فروند موشک، در آب سقوط کرد. این هواپیما در زمانی که ایران در نبرد با متجاوزان بعثی مورد حمایت شرق و غرب قرار داشت، با موشک ناو جنگی وینسنس مورد تجاوز عمدی نیروهای جنایت‌پیشه آمریکا قرار گرفت و تمام سرنشینان آن که ۲۹۸ مسافر و خدمه بود، به شهادت رسیدند. در میان سرنشینان هواپیما، ۶۶ کودک زیر سیزده سال، ۵۳ زن و ۴۶ تن تبعه کشورهای خارجی بودند که همگی کشته شدند. ساقط‌کردن هواپیما، در حقیقت یکی دیگر از مراحل رویارویی استکبار جهانی با جمهوری اسلامی ایران برای تقویت متجاوزان عراقی در جبهه‌های جنگ بود.

پس از سقوط هواپیما، مقامات آمریکایی برای توجیه این جنایت نابخشودنی، دلایل ضد و نقیضی عنوان کردند و کوشیدند این اقدام خصمانه را یک اشتباه قلمداد کنند؛ اما با توجه به مجهز بودن کشتی جنگی وینسنس به پیشرفته‌ترین سیستم‌های راداری و رایانه‌ای و همچنین مشخص بودن نوع هواپیمای در حال پرواز، مسلم شد که احتمال اشتباه وجود نداشته و این اقدام، کاملاً خصمانه بوده است. با این حال، مقام‌های آمریکایی پس از چندی، در توهینی آشکار به ملت ایران، مدال شجاعت بر گردن ناخدای این ناو انداختند و بدین‌سان، حمایت رسمی خود را از این جنایت اعلام نمودند.

۱. همان، ج ۱۶، ص ۳۶۸.

در پس این تجاوز آشکار، جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۴ تیر ۱۳۶۷، طی نامه‌ای به رئیس شورای امنیت خواستار تشکیل جلسه فوری شورا برای رسیدگی به این موضوع شد. در ۲۵ تیر ۱۳۶۷، شورا تشکیل جلسه داد. از سوی جمهوری اسلامی ایران دکتر ولایتی وزیر امور خارجه وقت ایران، و از جانب آمریکا جرج بوش معاون وقت رئیس جمهوری در جلسه حضور داشتند. وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در قسمتی از سخنان خود عنوان کرد: «حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، تنها منادی مرگ و بی‌قانونی و شرارت بوده و جز ناامنی چیزی به ارمغان نیاورده است. عمل جنایتکارانه آمریکا در حمله به هواپیمای یک کشور، به هیچ وجه در قالب دفاع مشروع قابل توجیه نیست.»

جرج دبلیو بوش پدر، معاون رونالد ریگان، رئیس جمهور وقت آمریکا در آگوست ۱۹۸۸ گفت:

«من هرگز از طرف آمریکا عذرخواهی نمی‌کنم. من اهمیتی نمی‌دهم که چه کاری انجام داده است. من اهمیت نمی‌دهم حقیقت چیست.»

حمله به مسجد گوهر شاد (۲۱ تیر، ۱۳۲۴)

در چنین روزی، مسجد گوهرشاد مشهد مقدس که مملو از جمعیت بود، به دستور رضاشاه پهلوی مورد هجوم قرار گرفت و تعداد بسیاری از معترضان به بی‌حجابی کشته، مجروح و دستگیر شدند. به گزارش مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فاجعه خونین حمله به مسجد گوهرشاد، یکی از اوراق ننگین تاریخ در دوره رضاخان می‌باشد. رضاخان که با زور سرنیزه و با حمایت بیگانگان به قدرت رسید، طرح اسلام‌زدایی را به اجرا گذاشت؛ از جمله در سال ۱۳۱۴ همزمان با اجباری شدن کلاه شاپو برای مردان، زمزمه‌های حجاب‌زدایی زنان نیز بلند شد.

روحانیون در مقابل این توطئه ساکت نشستند و به مخالفت پرداختند و آیت‌الله قمی در تهران بازداشت شد. به دنبال این مسئله، مسجد گوهرشاد که چند روزی بود محل اجتماع و سخنرانی علیه اسلام‌زدایی بود، حال‌وهوای دیگری گرفت و اجتماعات مردمی وسیع‌تر و اعتراضات گسترده‌تر شد. به همین جهت، به شهربانی مشهد دستور داده شد وعاظ معروف را دستگیر کنند. عده‌ای از وعاظ خراسان دستگیر شدند؛ اما روحانیون و خطباء، به‌خصوص

بیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۱۷

شیخ محمدتقی گنابادی، معروف به بهلول، در افشای سیاست اسلام‌زدایی رضاشاه مصمم‌تر شدند. سرانجام به دستور رضاشاه در روزهای ۲۰ و ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ شمسی مسجد گوهرشاد که پر از جمعیت معترض بود، مورد حمله قشون قزاق قرار گرفت و مسجد گوهرشاد به خاک و خون کشیده شد. تعداد زیادی از مردم به شهادت رسیدند و حدود ۱۵۰۰ نفر به اسارت نیروهای قزاق درآمدند.

رضاخان برای رسیدن به اهداف شوم اربابانش، به این جنایت اکتفا نکرد و چون احتمال قیام عمومی می‌داد، همه علمای مبارز مشهد را دستگیر و تبعید نمود. از جمله تبعیدشدگان به تهران، سه نفر از مراجع و علمای معروف بودند که عبارت‌اند از: آیت‌الله حاج آقا حسین قمی، آیت‌الله سید یونس اردبیلی و آیت‌الله شیخ محمد آقازاده (فرزند آیت‌الله العظمی شیخ محمد کاظم خراسانی، صاحب کفایة الأصول).

عجیب اینکه آیت‌الله آقازاده وقتی به تهران رسید، به دستور رضاخان خلع لباس شد و در دوره سرپاس مختاری (رییس شهربانی وقت) با تزریق آمپول هوا، به دست دکتر احمدی مزدور سفاک رضاخان، به شهادت رسید و جنازه مطهرش در روز سیزدهم ذی‌قعدة سال ۱۳۵۶ق در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

این عالم ربانی در حالی که ۶۲ بهار از عمرش بیشتر نگذشته بود، جان خود را فدای مبارزه با هجوم فرهنگ غرب و کشف حجاب کرد تا حریم حجاب و ارزش‌های اصیل اسلامی را از گزند استعمار و مزدوران آن حفظ کند و به مردم مسلمان، به‌ویژه مسلمانان ایران پیام دهد که از پای ننشینند و تا آخرین توان در برابر استعمارگران و نفوذ فرهنگ بیگانه، مقاومت نمایند.

روز حجاب و عفاف (۲۱ تیر)

شورای فرهنگ عمومی کشور، سال‌روز قیام مردم مشهد علیه کشف حجاب را، به عنوان «روز عفاف و حجاب» نام‌گذاری کرده است. قیام مردم مشهد و واقعه مسجد گوهرشاد در رویارویی با کشف حجاب، مصداق بارز مبارزه با منکری است که هنوز متأسفانه آثار شومش در کشور ریشه‌کن نشده است.

دو واژه «حجاب» و «عفاف»، در اصل معنای منع و امتناع، مشترک می‌باشند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب، مربوط به ظاهر است؛ ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت، یک حالت درونی است. بدیهی است که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است. بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد؛ برعکس هرچه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد، باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد.

در قرآن مجید بیش از ده آیه در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم وجود دارد. یکی از این آیات، آیه ۵۹ سوره احزاب است. در این آیه آمده: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلزَّوْجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر! به زنان و دخترانت و نیز به زنان مؤمنان بگو خود را بپوشانند تا شناخته نشوند و مورد اذیت قرار نگیرند، و خداوند بخشنده مهربان است.»

جلباب، به معنای پوشش سراسری است؛ یعنی زن باید همه اندامش پوشیده باشد تا همچون گلی لطیف، از دسترس هوسرانان مصون و محفوظ باشد. در سوره نور آیه ۳۱ نیز به تفصیل در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم سخن به میان آمده است.

روز بهزیستی و تأمین اجتماعی (۲۵ تیر)

روز ۲۵ تیر هر سال، «روز بهزیستی و تأمین اجتماعی» نام‌گذاری شده است تا از این طریق، توجه همگان، یعنی مسئولان و دست‌اندرکاران و عموم مردم، به‌ویژه آنهایی که توان مالی برای کمک به قشرهای آسیب‌پذیر جامعه را دارند، به این موضوع معطوف گردد و زمینه همت و تلاش بیشتر آنان برای زدودن فقر و محرومیت‌های جامعه فراهم گردد.

بیوست‌های تبلیغی: مناسبت‌های ماه مبارک رمضان ■ ۵۱۹

بهبودی، در اصل به معنای بهتر و راحت‌تر زندگی کردن است؛ اعم از زندگی فردی و اجتماعی؛ اما در اصطلاح اداری کشور، به سازمانی اطلاق می‌گردد که از افسار آسیب‌پذیر جامعه حمایت می‌کند. به همین جهت، در اساسنامه سازمان بهزیستی کشور آمده:

«در جهت تحقق مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تأمین موجبات برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی و تهیه هنجارها و استانداردهای خدماتی و توسعه دامنه اجرای برنامه‌های بهزیستی در زمینه حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و ارائه خدمات مختلف به کودکان و تدارک امکانات پیشگیری و درمانی و توان‌بخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولان جسمی و روانی و تجدید تربیت منحرفان اجتماعی و حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال بی‌سرپرست و معلولان غیرقابل توان‌بخشی و سالمندان نیازمند و آموزش نیروی انسانی خدمات بهزیستی و توان‌بخشی و تأمین موجبات تشویق، جلب مشارکت و فعالیت‌های گروه‌های داوطلب و مؤسسات غیردولتی، سازمان بهزیستی کشور تشکیل می‌شود.»

مفهوم تأمین اجتماعی، بیشتر با مفهوم‌هایی چون: رفاه اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی، خدمات اجتماعی، تعاون اجتماعی و تعادل اجتماعی هم‌معناست و در برخی موارد با واژه‌هایی چون کمک اجتماعی و معاونت متقابل همسوست.

در آموزه‌های اسلام، پیوسته به احسان و دست‌گیری از کسانی سفارش شده است که به کمک و یاری دیگران نیازمندند.